

زمان ارزیابی خسارت ناشی از نقض قرارداد (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلستان)

امیر جلیلی^{۱*}، محمدمهدی عزیزاللهی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. دانشیار حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران

(دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۲ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۷)

Time for Assessment of Damage Due to Breach of Contract (Comparative Study of UK and Iran Law)

Amir Jalili^{1*}, Mohamad Mahdi Azizollahi²

1. Ph.D. Student in of Private Law, Qom University, Qom, Iran

2. Associate Professor of Law, Qom University, Qom, Iran

(Received: 20/Nov/2020

Accepted: 25/Feb/2021)

Abstract

In a contractual relationship, usually the result of non-fulfillment of the obligation by one of the parties (whether performing the act or abandoning the action) is Damage entry to the other party, which the Compensation is the consequence of breach of this contractual liability. If the amount of damage is not determined by the parties, either before or after the damage, The amount of damages must be determined by the court with referred to the expert, In this case, due to a delay in the filing of claim or the length of the proceedings, And changing the value of money and increasing the cost of compensation the Damage, Assessment Time will be important. There is no specific rule in Iranian law and various opinions have been raised, such as the time of breach, execution of the contract, issuance or enforcement of a definitive injunction. In British law, as a general rule, the date of breach of contract has been the criterion for Assessment, with some exceptions.

Keywords: Contractual Fault, Contractual Liability, Contractual Damages, Time for Assessment of Damage.

چکیده

در روابط قراردادی معمولاً در نتیجه عدم اجرای تعهد توسط یکی از طرفین (اعم از انجام فعل یا ترک فعل) خسارتی به طرف دیگر وارد می شود که اثر تخلف از این مسئولیت قراردادی، جبران خسارت است. در صورت عدم تعیین میزان خسارت وارده توسط طرفین چه قبل از وقوع خسارت یا بعد از آن، میزان خسارت وارده باید به وسیله دادگاه و با ارجاع آن به کارشناس تعیین گردد که در این صورت، به علت تأخیر زیان دیده در طرح دعوا و مطالبه خسارت یا طولانی شدن روند رسیدگی و تغییر ارزش پول و افزایش هزینه-های جبران، زمان تعیین خسارت دارای اهمیت خواهد بود. در حقوق ایران قاعده مشخصی وجود ندارد و نظرات متفاوتی از قبیل زمان نقض، اجرای قرارداد، صدور حکم قطعی یا اجرای آن، مطرح شده است. در حقوق انگلستان به عنوان یک قاعده کلی تاریخ وقوع نقض قرارداد، ملاک ارزیابی قرار داده شده است که البته استثنائاتی نیز دارد.

کلیدواژه‌ها: خطای قراردادی، مسئولیت قراردادی، خسارت قراردادی، زمان ارزیابی خسارت.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تصور است، دو نوع می‌باشد: ۱- از بین رفتن مال. ۲- فوت شدن منفعت، همچنان که در قسمت اخیر ماده ۷۲۸ ق. آ. د. م. سابق چنین انعکاس داشت: «... ضرر ممکن است به واسطه از بین رفتن مالی باشد یا به واسطه فوت شدن منفعتی که از انجام تعهد حاصل می‌شده است. بنابراین:

- ۱- ممکن است ضرر وارد بر متعهدله در اثر عدم انجام تعهد، از بین رفتن مالی باشد. مانند آن که مقاطعه کار تعهد خود را در مورد اتمام ساختمان آنقدر به تأخیر اندازد تا زمستان فرا رسیده و بر اثر ریزش برف و باران، قسمتی از مصالح ساختمانی موجود در کارگاه به علت نقص کار، از بین برود.
- ۲- ممکن است ضرر وارد فوت شدن منفعتی باشد. یعنی عدم انجام تعهد سبب شده باشد که متعهدله از منفعتی محروم گردد (شهیدی، ۱۳۸۰: ۷۱).

در نظام حقوقی انگلستان خسارت عبارتست از جبران زیان ناشی از نقض قرارداد که طرف غیر ناقض متحمل آن شده است (Jack Beatson, Andrew Burrows, John Cartwright, 2010: 533). در نتیجه خسارت به زیان غیر ناقض توجه دارد نه به نفعی که ناقض از نقض برده است (Treitel, 2003: 927).

در ادبیات کامن لایی برای طرف قرارداد سه نوع منفعت انتظار، اعتماد و استرداد متصور است که نقض قرارداد موجب می‌شود که زیان دیده از هر سه یا برخی از آنها محروم شود و به وی حق می‌دهد که خسارت متناظر با آن منفعت را مطالبه نماید.

خسارت قراردادی به معنای واقعی، از دست دادن منفعت انتظار است که مهم ترین مبنای تعیین خسارت به شمار می‌رود.

در کامن لا، اصل اولیه در خسارت‌های قراردادی عبارت است از اعاده کامل^۳ که هدف آن بازگرداندن طرف زیان دیده به وضعیتی است که اگر قرارداد اجرا می‌شد، در آن وضعیت قرار می‌گرفت. در دعوی قدیمی *Robinson v Harman* قاضی پارک^۴ بیان می‌کند: قاعده کامن لا این است که اگر یک طرف در نتیجه نقض قرارداد متحمل زیان شود، باید تا آنجا که با پول امکان دارد، در وضعیتی قرار داده شود که اگر قرارداد اجرا شده بود در آن وضعیت قرار می‌گرفت (نعمت‌اللهی: ۱۳۷۹: ۱۶۶-۱۶۳).

گاهی در قراردادهایی که بین طرفین منعقد می‌شود، متعهد تخلف کرده و در نتیجه تخلف وی و عدم اجرای تعهد (اعم از انجام فعل یا ترک فعل) خسارتی به متعهدله وارد می‌آورد. در این صورت ممکن است طرفین قرارداد قبل از وقوع خسارت یا پس از وقوع خسارت با یکدیگر توافق کرده و میزان مسئولیت متعهد را مشخص نمایند. در این فرض میزان جبران خسارت معلوم بوده و خارج از بحث این مقاله است، اما زمانی که طرفین نسبت به جبران خسارت توافقی نکرده و قانون نیز درباره آن صراحتی ندارد، در این حالت دادگاه باید میزان خسارت را معین کند. البته تعیین میزان خسارت توسط دادگاه بعضاً مشکل است؛ زیرا در اغلب اوقات ممکن است متعهدله به محض ورود خسارت، ادعای خسارت نکند یا از زمان ورود خسارت تا زمان تقدیم دادخواست عملاً مدتی فاصله بیافتد و در این فاصله، ارزش پول و هزینه جبران خسارت کم و زیاد گردد. از طرف دیگر به محض تقدیم دادخواست نیز حکم صادر نمی‌شود و مدتی نه چندان کوتاه، بین تقدیم دادخواست و صدور حکم و اجرای آن فاصله می‌افتد، بنابراین تعیین زمان ارزیابی در تعیین میزان خسارت بسیار مؤثر است.

لذا در این مقاله در ابتدا پس از تعریف خسارت قراردادی و تبیین شرایط تحقق آن به صورت مختصر به بررسی زمان ارزیابی این نوع خسارت در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان خواهیم پرداخت.

خسارت قراردادی^۱

در تعریف خسارت قراردادی گفته شده است: به خسارتی که ناشی از تخلف از انجام تعهد قراردادی باشد، خسارت قراردادی گفته می‌شود (شهیدی، ۱۳۸۶: ۷۰).

در قانون مدنی و قانون آیین دادرسی مدنی تعریفی از ضرر و خسارت^۲ وجود ندارد، ولی حقوقدانان تعارف متفاوتی از آن ارائه نموده‌اند و خسارت ناشی از نقض قرارداد را که ذیلاً اشاره خواهد شد به تلف مال یا فوت منفعت تقسیم نموده‌اند.

هر نوع نقصی که در مال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۳۸) یا به هرگونه کاهش در کمیت یا کیفیت مال زیان دیده، خسارت گفته می‌شود، (قربان‌پور، ۱۳۹۱: ۱۴). ضرری که ورود آن بر متعهدله قابل

3. *restitutio in integrum* or full restitution
4. Parke

1. Contractual damages
2. damage

۱. وجود رابطه قراردادی^۲

یکی از آثار تعهد این است که اگر متعهد در انجام آن تأخیر کنند یا آن را انجام ندهد، ملزم است خسارت وارد بر متعهدله را جبران کند؛ زیرا متعهد با خودداری از انجام مورد تعهد سبب ورود خسارت به متعهدله شده است (شهیدی، ۱۳۸۰: ۶۶). ماده ۲۲۱ ق. م اعلام می‌دارد: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا برحسب قانون موجب ضمان باشد». بنابراین جهت تحقق مسئولیت قراردادی یعنی التزام متعهد به جبران خسارتی که در نتیجه عدم اجرای قرارداد به طرف وارد شده است (صفایی، ۱۳۵۱: ۱۲۵)، در بدو امر به وجود یک عقد (قرارداد) صحیح نیازمندیم چرا که مسئولیت قراردادی مبتنی بر عقد (قرارداد) است و تا زمانی که عقد (قرارداد) صحیحی میان طرفین وجود نداشته باشد، سخنی از مسئولیت قراردادی به میان نخواهد (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۱۳۶؛ شهیدی، ۱۳۸۶: ۵۶؛ Andrew Burrows, 2016: 118).

۲. تخلف از انجام تعهد (خطای قراردادی)^۳

بعد از وقوع عقد قرارداد، طرفین ملزم به اجرای مفاد آن هستند و نمی‌توان به موجب بروز حادثه‌هایی که هنگام انعقاد عقد قرارداد قابل پیش‌بینی بوده‌اند، از اجرای مفاد آن سرباز زد و این یک امر اصلی است. بنابراین زمانی که مدیون به تعهد قراردادی خویش عمل ننماید، مرتکب خطای قراردادی شده است، خواه این امر عمدی باشد یا غیر عمدی لیکن اگر تخلف از اجرای قرارداد به سبب عاملی خارج از قرارداد و اراده متعهد باشد، دیگر نمی‌توان بر اساس مسئولیت قراردادی خسارت وارده را جبران نمود. (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۱۳۸؛ شهیدی، ۱۳۸۶: ۵۷)

شرایط مطالبه خسارت

۱. انقضای مدت اجرای تعهد

ماده ۲۲۶ ق. م. چنین مقرر می‌دارد: «در مورد عدم ایفای تعهد از طرف یکی از متعاملین، طرف دیگر نمی‌تواند ادعای خسارت نماید مگر این که برای ایفای تعهد مدت معینی مقرر

بر مبنای همین اصل می‌توان گفت: خسارت‌های انتظاری برای محافظت از منافع انتظار طراحی شده‌اند و هدف از آن قرار دادن قربانی نقض در موقعیتی است که وی می‌توانست در آن قرار بگیرد، در صورتی که طرف دیگر قرارداد را اجرا کرده بود. اگر این هدف محقق شود، قربانی بالقوه نقض قرارداد چه قرارداد اجرا شود و چه خسارت پرداخت شود در موقعیت یکسانی قرار خواهد گرفت.

در مقابل، خسارت‌های اتکایی برای محافظت از منفعت اعتماد طراحی شده‌اند و هدف از این کار بازگرداندن قربانی نقض در موقعیتی است که در صورت عدم انجام قرارداد، در آن قرار داشته است. در صورت دستیابی به این هدف قربانی بالقوه نقض قرارداد چه قرارداد منعقد نشده باشد و چه نقض شود و خسارت پرداخت شود در موقعیت یکسانی قرار خواهد گرفت (Robert Cooter and Melvin Aron) (Eisenberg, 1985: 1435).

و آخر اینکه مبنای حمایت از منفعت استرداد، جبران خسارت به معنای دقیق نیست، بلکه محروم کردن خواننده از سودی است که به هزینه خواهان کسب کرده است. هدف از پرداخت خسارت استرداد جلوگیری از منفعتی است که طرف ناقض به هزینه زیان‌دیده کسب کرده و به تعبیر دیگر، جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه است (Ewan) (McKendrick, 1997: 356).

شرایط تحقق مسئولیت قراردادی^۱

برای مطالبه خسارت ناشی از نقض قرارداد باید به موجب قرارداد، مسئولیتی برای ناقض به وجود آمده باشد. در این رابطه تعاریف متفاوتی از مسئولیت قراردادی ارائه شده است:

مسئولیت قراردادی یعنی التزام متعهد به جبران خسارت ناشی از تأخیر یا عدم اجرای تعهد قراردادی است (حیاتی، ۱۳۹۲: ۳۷۵). چون ریشه این مسئولیت در قرارداد خصوصی طرفین است به آن مسئولیت قراردادی می‌گویند. (صفایی، ۱۳۵۱: ۱۲۵). برای تحقق مسئولیت قراردادی دو ضابطه یا مبنا تعیین کرده‌اند: ۱- وجود یک قرارداد لازم‌الاجرا بین طرفین ۲- زبانی که وارد آمده ناشی از نقض همان قرارداد باشد نه عامل دیگر (بهرامی، ۱۳۸۶: ۱۳۱).

2. Contractual relationship
3. Contractual fault

1. Contractual Liability

شده و مدت مزبور منقضی شده باشد و اگر برای ایفای تعهد مدتی مقرر نبوده طرف وقتی میتواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده و ثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است».

به طوری که از ماده مذکور استفاده می شود، برای آن که خسارت قابل مطالبه باشد باید یکی از دو فرض محقق باشد: فرض اول آن که، برای اجرای تعهد مدتی مقرر شده باشد و متعهد، مورد تعهد خود را انجام ندهد تا این که موعد مزبور منقضی شود.

فرض دوم آن که موعد اجرای تعهد به اختیار متعهدله قرار داده شده باشد و متعهدله انجام تعهد را مطالبه کرده باشد ولی متعهد از انجام آن خودداری کرده باشد. در این مورد برای آن که متعهدله بتواند عدم اجرای تعهد را با وجود مطالبه خود، به منظور گرفتن خسارت، در دادگاه اثبات کند، معمولاً مطالبه از طریق ارسال اظهار نامه به متعهد انجام می شود. (شهیدی، ۱۳۸۰: ۶۸)

۲. تقصیر متعهد

وقتی متعهد را می توان به جبران خسارت ناشی از تأخیر یا عدم اجرای تعهد ملزم ساخت که انجام ندادن مورد تعهد بر اثر تقصیر او باشد. در صورتی که تقصیری مرتکب نشده باشد و عدم انجام تعهد که بر اثر تقصیر خود متعهدله یا مستند به عوامل دیگری باشد که خارج از قدرت و اختیار متعهد بوده، او مسؤولیتی در مورد جبران خسارت وارد نخواهد داشت. مانند آن که متعهد نقاش ساختمان بوده و متعهدله خانه ای را که نقاشی آن مورد نظر بوده قفل کرده و کلید آن را در اختیار نقاش نگذارد. یا این که نقاش بر اثر تصادف مجروح شده و نتوانسته است تعهد خود را به موقع انجام دهد. ماده ۲۲۷ ق.م. در این باره می گوید: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام، به واسطه علت خارجی بوده است که نمی توان مر بوط به او نمود» (شهیدی، ۱۳۸۰: ۶۹-۶۸)

برخی در انتقاد از این شرط گفته اند ذکر شرط تقصیر در اینجا به این علت است که بسیاری از حقوقدانان ایرانی به پیروی از تفکر اروپایی و به استناد ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مبنای مسئولیت در حقوق ایران را تقصیر می دانند و در مسئولیت قراردادی به فرض تقصیر معتقدند، ولی در حقوق ایران نظر مزبور را به طور مطلق نمی توان پذیرفت؛ زیرا با توجه به مواد ذی ربط در قانون مدنی مخصوص مواد ۲۲۱ و ۲۲۷ به

نظر می رسد که مسئولیت قراردادی در حقوق ایران مبتنی بر تقصیر نیست؛ زیرا اگر قانونگذار فرض تقصیر کرده بود متعهد با اثبات بی تقصیری خود از مسئولیت معاف می شد، ولی طبق ماده ۲۲۷ قانون مدنی متعهد وقتی از مسئولیت عدم انجام تعهد معاف می شود که ثابت کند قوه قاهره مانع از انجام تعهد شده است. علی هذا می توان گفت که مسئولیت قراردادی در حقوق ایران مسئولیت محض است و اگر کسی با مسامحه خواسته باشد، مقررات مزبور را بر نظریه تقصیر منطبق سازد، چاره ای ندارد جز آنکه بگوید عدم انجام تعهد در نظر قانونگذار ایران خود تقصیر است (بهرامی، ۱۳۸۰: ۱۳۳؛ حیاتی، ۱۳۹۲: ۳۸۰).

۳. ورود خسارت

وقوع ضرر یکی دیگر از ارکان مورد نیاز جهت تحقق خسارت قراردادی است. عهد شکنی به خودی خود ایجاد مسئولیت نمی کند. پس اگر زبانی به طلبکار نرسیده باشد خسارتی از بدهکار گرفته نمی شود (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۲۰۱؛ شهیدی، ۱۳۸۶: ۶۷). قسمت نخست ماده ۲۲۱ قانون مدنی به این شرط تصریح کرده است. مطابق این ماده «اگر کسی تعهد به اقدام به امری را نماید یا تعهد نماید از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است...». (حیاتی، ۱۳۹۲: ۳۸۱)

ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی سابق در مورد تعیین خسارت توسط دادگاه، مقرر می داشت: «... در صورتی دادگاه حکم خسارت می دهد که مدعی خسارت ثابت کند که ضرر به او وارد شده ...». در قانون آیین دادرسی مدنی جدید بحثی از ضرورت اثبات خسارت به وسیله خواهان نیست، ولی از لحن ماده ۵۲۰ این قانون می توان این معنی را استنباط کرد. بنابراین برای مطالبه خسارت باید خسارت وارد آمده و مدعی ثابت کند که این خسارت در اثر عدم اجرای تعهد بوده است. (بهرامی، ۱۳۸۶: ۱۳۴) چنین رکنی در نظام حقوقی انگلستان نیز پذیرفته شده است. (آنه راف، مترجم مهدی موسوی، ۱۳۹۰: ۲۴۵)

۴. رابطه سببیت بین خطا و خسارت

دادرس به صرف احراز تأخیر در اجرای تعهد یا عدم اجرای آن و تحقق ضرر نمی تواند آثار مسئولیت قراردادی را بر متعهد متخلف بار کند، بلکه شرط اعمال آثار، این است که خسارت معلول تخلف متعهد باشد؛ یعنی اگر متعهد، از تعهد خویش تخلف نمی کرد، خسارت مورد نظر تحقق پیدا نمی کرد (حیاتی، ۱۳۹۲: ۳۹۰).

بینی حاصل نشده باشد؛ چرا که در چنین حالتی دیگر متعهد فرد واردکننده خسارت نخواهد بود و قوه قاهره و حوادث غیر قابل پیش‌بینی سبب ورود خسارت خواهند بود نه عمل متعهد. همچنین تحقق خسارت قراردادی در زمان حال یا آینده می‌بایست قطعی باشد و نمی‌توان اقدام به مطالبه خسارت مشکوک و احتمالی نمود (شهیدی، ۱۳۸۶: ۷۹؛ کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۲۲۶؛ Brian H. Bix, 2012: 93). دلیل اینکه ضرر قابل پیش‌بینی را مطالبه کرد، این است که در قراردادها طبق اصل حاکمیت اراده، خواسته‌ها و پیش‌بینی‌های طرفین ملاک عمل است و اگر ضرر قابل پیش‌بینی نباشد، در واقع وارد قلمرو قرارداد نشده و جبران آن را نمی‌توان به توافق طرفین نسبت داد. این شرط از ماده ۲۲۱ قانون مدنی قابل استنباط است (صفایی، ۱۳۹۴: ۲۳۰).

به عنوان مثال در دعوی Victoria Laundry (Windsor) Ltd V Newman Industries Ltd (1949) دادگاه استیناف رأی داد که خواهان می‌تواند جبران خسارت ناشی از زوال منفعت قابل حصول به طور معمول در یک خشک‌شویی را مطالبه کند، ولی در مورد منافع زائل شده که از قراردادهای سودآور رنگرزی حاصل می‌گردد، نمی‌تواند خواستار جبران خسارت شود؛ زیرا خواننده در هنگام انعقاد قرارداد با خواهان از وجود چنین قراردادهایی آگاه نبوده است (آنه راف، مترجم مهدی موسوی، ۱۳۹۰: ۲۵۵).

زمان تعیین خسارت قراردادی^۲

در ارتباط با زمان ارزیابی خسارت قراردادی در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان نظریات متفاوتی مطرح شده است که در این بخش ابتدا موضع حقوق ایران و سپس انگلستان تبیین خواهد شد.

۱. حقوق ایران

قانون مدنی ایران در باره زمان ارزیابی خسارت قراردادی ساکت است، ولی حقوقدانان معتقدند که مسئولیت قراردادی و غیر قراردادی (قهری) ماهیت واحد و یکسانی دارند و در هر دو مسئولیت نهایتاً از قانون ناشی می‌شود، تنها با این تفاوت که

این شرط هر چند به طور صریح در قانون مدنی بیان نشده است، اما با مطالعه مواد ۲۲۶ به بعد قانون مدنی می‌توان دریافت که وجود رابطه سببیت برای تحقق مسئولیت متخلف ضروری است. (شهیدی، ۱۳۸۶: ۷۴) در ماده ۵۲۰ قانون مدنی آمده است که: «درخصوص مطالبه خسارت وارده، خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است در غیراین صورت دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد خواهد کرد». بنابراین تنها ضرر بلا واسطه قابل مطالبه است و قانونگذار مدیون را مسئول خساراتی می‌داند که نتیجه ضروری و احترازناپذیر انجام ندادن تعهد است، ولی خساراتی را که تقصیر مدیون تنها یکی از اسباب دور آن است بر عهده او نمی‌گذارد. که در مثال معروف فروش گاو بیمار، فروشنده صرفاً مسئول خسارت ناشی از تلف میبع و سایر گاوهایی است که در اثر سرایت بیماری از بین رفته است (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۲۱۹-۲۱۸). مستقیم بودن ضرر بدان معنی نیست که هیچ‌گونه فاصله و واسطه‌ای در ایراد ضرر نباید وجود داشته باشد، بلکه مقصود آن است که رابطه سببیت یا استناد عرفی بین عدم اجرای تعهد و زیان وارد شده لازم است (صفایی، ۱۳۹۴: ۲۲۹؛ بهرامی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). در قسمت اخیر ماده ۳۳۲ (ق.م) به نقش قضاوت عرف در احراز رابطه سببیت پرداخته است. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد». (حیاتی، ۱۳۹۲: ۳۹۱).

حقوقدانان انگلیسی نیز به وجود این رابطه تأکید کرده‌اند (Brian H. Bix, 2012: 93). به عنوان یک قاعده کلی گفته می‌شود که نقض قرارداد باید علت موثر ضرر وارد شده به زیان‌دیده باشد. به عنوان مثال در دعوی Cossy V Lonkvist در سال ۲۰۰۰ میلادی دادگاه استیناف به جهت اینکه نقض قرارداد توسط خواننده علت ورود ضرر به خواهان نبوده است ادعای وی را نپذیرفت (آنه راف، مترجم مهدی موسوی، ۱۳۹۰: ۲۵۳).

۵. قطعی و قابل پیش‌بینی بودن خسارت

ضرری قابل جبران است که مسلم باشد نه احتمالی. ضرر مسلم، زبانی است که تحقق یافته یا به احتمال قوی و بر حسب جریان عادی امور در آینده تحقق می‌یابد (صفایی، ۱۳۹۴: ۲۲۷). خسارت قراردادی قابل مطالبه است که قابل پیش‌بینی بوده و در نتیجه قوه قاهره و حوادث غیر قابل پیش-

۱. اگر کسی تعهد اقدام امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد.

2. Time for assessment of contractual damages

مسئولیت غیر قراردادی مستقیماً و بدون واسطه از قانون نشأت می‌گیرد و مسئولیت قراردادی به طور غیر مستقیم و با واسطه قرارداد و همکاری اراده دو طرف از قانون ناشی می‌شود. در هر دو جز در موارد استثنایی، خطا و تقصیر شرط پیدایش مسئولیت است (شهیدی، ۱۳۸۶: ۵۱). لذا با توجه به وحدت ملاک بین مسئولیت قراردادی و قهری، نظرات مطرح شده در باب ضمان قهری به خصوص مبحث راجع به غصب در خصوص تعیین زمان ارزیابی خسارت در مورد مسئولیت قراردادی نیز ساری و جاری است که با توجه به تعدد نظریات درباره زمان ارزیابی، آرای گوناگونی صادر شده است که هر کدام مستندات و مبانی متفاوتی دارد. بنابراین بررسی تمام نظرات مطرح شده خارج از حوصله این نوشتار بوده صرفاً به بررسی مهم‌ترین آنها می‌پردازیم.

۱-۱. زمان انجام تعهد

به اعتقاد برخی زمان انجام تعهد ملاک تعیین زمان تخمین خسارت است؛ برای مثال قصابی متعهد بوده روزانه یک صد کیلو گوشت از قرار کیلویی ۱۰ تومان به بیمارستانی تحویل دهد، چنانچه در فصل زمستان که معمولاً قیمت گوشت افزایش می‌یابد، قصاب از تحویل گوشت خودداری کند و در نتیجه بیمارستان مجبور شود به نرخ بالاتری، مثلاً کیلویی ۱۲ تومان، در روزهای مذکور گوشت تهیه کند. در این صورت نرخ گوشت در روزهایی که تعهد انجام نشده است ملاک تخمین میزان خسارت است، بنابراین میزان خسارت وارده برابر است با (مقدار گوشت خریداری شده) * (نرخ قراردادی گوشت - نرخ خریداری شده در روزهای تخلف از انجام تعهد).

یا (۱۰-۱۲) * ۱۰۰ = ۲۰۰ تومان. همچنین است موردی که تخلف در تعهد پرداخت ارز به عمل آمده که در این صورت بر مبنای نرخ ارز در روز انجام تعهد میزان خسارت محاسبه می‌شود.

ماده ۲۲۶ قانون مدنی دو حالت را پیش‌بینی می‌کند: اولاً در صورتی که «... برای ایفای تعهد مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد...» و ثانیاً «... اگر برای ایفای تعهد مدتی مقرر نبوده...».

در حالت اول به طوری که گفته شد عدم انجام تعهد از تاریخ انقضای زمان تعیین شده در قرارداد ملاک مطالبه خسارت است.

در حالت دوم «... طرف وقتی می‌تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده و ثابت نماید که انجام

تعهد را مطالبه کرده است» که در این صورت زمان مطالبه انجام تعهد همان زمان تخمین میزان خسارت خواهد بود و به همین دلیل در مورد خسارت تأخیر تأدیه در صورتی که قراردادی نشده باشد به موجب ماده ۷۲۱ (ق.آ.د.) قدیم «... اگر خواسته به وسیله اظهارنامه مطالبه شود، از تاریخ اظهارنامه والا از تاریخ اقامه دعوی محسوب خواهد شد»؛ زیرا در فرضی که اختیار موقع انجام تعهد با متعهدله باشد، اثبات مطالبه انجام تعهد نیز با تقدیم اظهارنامه و اقامه دعوی مسلم می‌شود و بنا بر این تاریخ اظهارنامه و یا دادخواست ملاک تخمین خسارت تأخیر تأدیه خواهد بود (قائم مقامی، ۱۳۸۷: ۱۷۴-۱۷۵).

در مورد تعهداتی که انجام آن فقط در زمان معینی ممکن بوده باشد و در خارج از آن دیگر قابل انجام نباشد، مانند آنکه شخصی در برابر دیگری تعهد کند که غذای میهمان را در روز معینی فراهم سازد. در این صورت اصطلاحاً می‌گویند که زمان اجرای تعهد، قید مورد تعهد است و یا اینکه مورد تعهد و زمان اجرای آن به نحو وحدت مطلوب مورد نظر بوده است. در این فرض نیز ملاک تخمین خسارت زمان انجام تعهد خواهد بود (شهیدی، ۱۳۸۰: ۶۷).

۱-۲. زمان نقض قرارداد

برخی معتقدند با توجه به اینکه تاریخ ایجاد حق زیان دیده را زمان تحقق حادثه زیان بار دانسته‌اند و از آن نتیجه گرفته‌اند که حکم دادگاه تنها چهره اعلامی دارد و حقی را که پیش از آن تحقق یافته اعلام می‌کند. لذا خسارت باید در زمان ورود آن مورد ارزیابی قرار گیرد و تنزل ارزش پول و بالا رفتن هزینه جبران خسارت در آن اثر ندارد. همان‌طور که در صورتی که مال غصبی تلف شده قیمتی باشد، قیمت زمان تلف در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا تا حین تلف، مسئولیت غاصب نسبت به رد عین بوده و در اثر تلف تبدیل به قیمت شده است، این است که قیمت آن زمان، مورد ضمان غاصب قرار می‌گیرد. بنابراین هرگاه قیمت مال مزبور قبل از تلف یا بعد از تلف تا زمان پرداخت، ترقی و تنزل نماید، در مقدار مدیونیت غاصب تأثیر نخواهد داشت (امامی، بی‌تا: ۳۴۹).

۱-۳. زمان صدور حکم قطعی

برخی معتقدند همان‌طور که در بحث مسئولیت ناشی از غصب با توجه به افزایش روزافزون قیمت‌ها در جهان، قناعت به قیمت روز غصب یا تلف عادلانه به نظر نمی‌رسد. برای مثال، اگر غاصب ظرفی را تلف کند که در آن زمان پنجاه هزار ریال

این امکان را در اختیار دادگاه قرار می دهد که خسارت را به نحو صحیح محاسبه نماید (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۲۱۲).

۴-۱. زمان اجرای حکم قطعی

برخی دیگر با استناد به مواد ۳۱۲ قانون مدنی و ۴۵۲ و ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اصل جبران کامل خسارت معتقدند که ملاک تعیین میزان مسئولیت باید بر اساس روز پرداخت خسارت باشد، نه زمان وقوع حادثه یا زمانی دیگر، تا اینکه زیان دیده در زمان پرداخت در موقعیتی مشابه عدم وقوع حادثه قرار گیرد. چنانچه زمان دیگری ملاک محاسبه قرار گیرد، در صورت افزایش هزینه های بازسازی یا قیمت مال خسارت دیده یا نقص قیمت حاصله، زیان دیده نمی تواند جایگزینی برای خسارت وارده تهیه کند. از آنجا که ملاک زمان تقویم خسارت در جای دیگری از قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی بیان نشده است و این حکم نیز با اصول کلی و منطق حقوقی و اصل جبران خسارت منطبق است، می توان از همین ملاک به عنوان قاعده ای کلی در نحوه جبران خسارت استفاده کرد (بابایی، ۱۳۹۴: ۲۰۳-۲۰۴). به نظر می رسد این نظریه بهتر است؛ زیرا اولاً؛ بر اساس وحدت ملاک بین جبران خسارت در مسئولیت قراردادی و قهری، طبق ماده ۳۱۲ ق.م. و نظریه مشورتی شماره ۳۴۰/۷ مورخه ۱/۱/۲۱ ۶۱ اداره حقوقی^۲ (شهری و حسین آبادی، بی تا: ۳۴۵) همچنین رویه قضایی^۳ (میرزایی، ۱۳۸۴: ۲۳) که زمان پرداخت خسارت در مسئولیت قهری روز پرداخت خسارت است، در مسئولیت قراردادی نیز روز پرداخت خسارت باشد.

۱. هرگاه مال منسوب بوده و مل آن پیدا نشود، قاصب یا بد قیمت حین الأداء را بدهد....

۲. سؤال: هر گاه محکوم به عین معین باشد ولی در موقع اجرای حکم وصول آن متعذر بشود، آیا قیمت روز اجرای حکم یا قیمت روز صدور حکم یا قیمت روز تقدیم دادخواست از محکوم علیه دریافت می گردد؟ پاسخ: برابر مقررات اجرای احکام مدنی در صورتی که در مقام اجرای حکم وصول عین معین از محکوم علیه ممکن نباشد محکوم به باید به قیمت روز اجرای حکم تقویم و برابر آن از محکوم علیه دریافت و به محکوم له پرداخت شود.

۳. رأی شماره ۲۹۸۰ - ۱۴ دی ۱۳۲۵ محکمه عالی انتظامی قضات: در مواردی که محکوم به عین بوده و از طرف اجرا اعلام شده اجرای عین غیر ممکن است، لا محاله اجرای حکم تبدیل به پرداخت قیمت می شود و قیمت موقع تأدیه را باید تعیین نمود.

رأی شماره ۱۳۴۷۷ - ۷۱/۸/۳ شعبه ۳ دیوان عالی کشور ذیل ماده ۳۱۲ ق.م. می گوید منظور از قیمت حین الادا قیمتی است که در روز تأدیه برای آن مال به خصوص در بازار و عرف معمول است.

ارزش داشته و هنگام صدور حکم بهای آن به پانصد هزار ریال رسیده است، آیا با دادن پنجاه هزار ریال (یعنی یک دهم ارزشی که از دست رفته است، می توان ادعا کرد که غاصب از عهده ضمانی که بر دوش او بوده بر آمده است؟

از ظاهر ماده ۳۱۱ و مفاد قاعده «علی الید» چنین بر می آید که ضمان غاصب در هر حال رد عین به مالک است و تکلیف به دادن مثل یا قیمت به عنوان بدل تکلیف اصلی بازگرداندن عین، در مقام وفای به عهده مقرر شده است و ضمان مستقلاً به شمار نمی آید. بنابراین، در صورت تلف عین، ضمان غاصب تبدیل به مسئولیت جدیدی نمی شود تا بتوان ادعا کرد که از آن هنگام تنها قیمت بر عهده او است.

زمان طبیعی، برای توصیف موضوع ضمان غاصب و اینکه او چگونه باید از مالک رفع ضرر کند، زمانی است که اجرای تکلیف از دادگاه خواسته می شود و لحظه ای است که دادرسی به طور قاطع به آن حکم می دهد. در همین زمان است که معلوم می شود غاصب باید چه مبلغ به عنوان بدل تعهد اصلی بپردازد و چنانکه گفته شد، مفاد همین حکم است که به تعهد غاصب صورت عینی و خارجی می بخشد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۶۴-۲۶۳)؛ چرا که اصل بر جبران کامل خسارت می باشد و اگر دادگاه به قیمت مال در زمان ورود خسارت رأی بدهد و توجهی به افزایش میزان خسارت، چه به دلیل تغییر عناصر ذاتی و عوامل درونی یا کاهش ارزش پول، تا زمان صدور حکم نداشته باشد، در واقع جبران کامل خسارت و رفع ضرر به صورت کامل محقق نمی شود. مضافاً اینکه بهترین شیوه جبران عینی خسارت است و اگر فاعل زیان محکوم به دادن عین یا مثل شود مجبور است برای ایفای تعهدش قیمت مال را در زمان تأدیه پرداخت نماید و از آنجا که انتخاب زمان پرداخت خسارت (یوم الاداء) عملاً دشوار است، دست کم زمان صدور حکم باید به عنوان زمان ارزیابی مورد توجه قرار گیرد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۶: ۲۶۱).

لذا در بحث خسارت قراردادی نیز تاریخ تعیین خسارت در فرضی که در توافق میان طرفین بدان اشاره نشده باشد و متعهد له جهت جبران خسارت خویش تعیین میزان و زمان جبران آن را از محاکم دادگستری خواستار شده باشد، زمان صدور حکم قطعی است. به این علت که اولاً خسارت پیش از صدور حکم حاصل شده است و با وقوع خسارت، متعهد متخلف ملزم به جبران خواهد بود و صدور حکم از ناحیه دادگاه بدان جنبه قانونی می بخشد. ثانیاً در این تاریخ خسارت به انضمام کلیه هزینه های دادرسی و به صورت کلی محقق شده است و

از آنجایی که براساس قاعده کاهش (تقلیل) خسارت، مدعی فقط نیاز دارد به شکلی معقول و منطقی عمل نماید، از این رو حتی اصل ارزیابی با مراجعه به زمان نقض با مقداری آزادی عمل، اعمال می شود.

در پرونده *C Sharpe & Co Ltd v Nosawa* یک قرارداد فروش نخود فرنگی، فروشنده ملزم بود که کالا را در حدود ۲۱ ژوئیه را تحویل دهد، اما تحویل داده نشد. کالاهایی با کیفیت مندرج در قرارداد در بازار موجود نبود. گفته شد که چون خریداران زمان معقولی برای بررسی موقعیت خود داشتند، بنابراین خسارت وارد شده با مراجعه به قیمت بازاری کالاهای مشابه در پایان ماه ژوئیه ارزیابی شد.

اصل ارزیابی با استناد به زمان تخلف، بر دو فرض استوار است: این که شخص آسیب دیده به محض ارتکاب از نقض آن آگاهی داشته و در این زمان می تواند برای کاهش ضرر که احتمالاً جریان دارد، قدم بردارد. در صورتی که حقایقی بر خلاف این اصل وجود داشته باشد، دادگاهها این اصل را کنار گذاشته و با مراجعه به «تاریخ دیگری که ممکن است با توجه به شرایط مناسب باشد» خسارتها را ارزیابی می کنند. به ویژه آنها به زمانی که این نقض بوده یا می توانست کشف شود توجه خواهند کرد و به این سؤال که آیا ممکن است طرف زیان دیده در صورت کشف نقض بتواند بلافاصله به انعقاد یک قرارداد جایگزین اقدام نماید (Treitel, 2015: 959-960).

به عنوان مثال می توان به دعوی *Golden Strait Corporation v Nippon Yusen Kubishika Kaisha* اشاره کرد که پس از گذشت سه سال از یک قرارداد اجاره کشتی برای مدت هفت سال، طرف دیگر آن را نقض کرد. پانزده ماه بعد، جنگ عراق آغاز شد که طبق یک بند مربوط به جنگ، به طرف دیگر حق می داد که در هر شرایطی قرارداد را فسخ کند و فرض بر این بود که در صورت وجود قرارداد، آنها این کار را انجام می دادند. سؤالی که پیش آمد این بود که آیا خسارات باید در تاریخ نقض براساس ارزش چهار سال باقی مانده از قرارداد صرف نظر از وقوع جنگ یا در تاریخ محاکمه با در نظر گرفتن محدوده زمانی اطلاع از جنگ و از این رو بر اساس اینکه از قرارداد پانزده ماه باقی مانده است، ارزیابی شود. با اکثریت ۳ به ۲ (مخالفتان لرد بینگام و لرد واکر) حکم داده شد که خسارات باید بر مبنای دوم ارزیابی شود. با این توجیه که اندازه گیری دقیق تر ضرر شناخته شده مدعی در شرایطی است که اصل کاهش خسارت در اساس بی ربط است؛ زیرا مدعی در تلاش نبود با انعقاد قرارداد جایگزین برای دوره

ثانیاً؛ در ماده واحده تفسیری تبصره ذیل ماده ۱۰۸۲ ق.م. مصوب ۱۳۸۴ مقرر شده در خصوص مهریه های وجه نقد، ملاک محاسبه و پرداخت پول، روز اجرای حکم است. این ماده درباره پرداخت مهریه به عنوان دین و ضمن قرارداد نکاح است ولی براساس ملاک آن می توان گفت پرداخت خسارت، در خسارت های قراردادی نیز به صورت پرداخت پول، در واقع به عنوان جبران ضرر و دینی بر عهده زیان زنده است. لذا این خسارت نیز براساس روز اجرای حکم سنجیده شود.

ثالثاً؛ پرداخت خسارت در این زمان بیشتر وضعیت زیان دیده را به زمان اجرای قرارداد باز گردانده و انتظارات وی را تأمین می نماید. به نظر می رسد این ملاک مناسب تر است چون هدف مسئولیت قراردادی را که جبران خسارت است، بهتر تأمین می کند. زیرا از زمان صدور حکم تا اجرای آن نیز ممکن است خسارت یا ارزش پول تغییر کند. (شهیدی، ۱۳۳۰: ۲۳۴)

۲. حقوق انگلستان

در نظام حقوقی انگلستان نیز نظریات متفاوتی در خصوص زمان ارزیابی خسارت قراردادی مطرح شده است که به شرح ذیل می باشد:

۱-۲. زمان نقض^۱

اصل اولیه یا به طور کلی فرض بر این است که خسارات با مراجعه به زمان نقض ارزیابی می شود. به عنوان مثال، در صورتی که خریدار کالا نتواند آنها را پذیرفته و قیمت را بپردازد [یا فروشنده نتواند تحویل دهد] اگر برای پذیرش یا تحویل کالا تاریخ مشخصی، تعیین شده باشد خسارت عبارت خواهد بود از تفاوت قیمت قراردادی و قیمت بازاری کالا در زمان پذیرش [یا تحویل]، و اگر زمانی برای این کار مشخص نشده باشد خسارت عبارت خواهد بود از تفاوت قیمت قراردادی و قیمت بازاری کالا در زمان امتناع از پذیرش یا تحویل. همین اصل، در جایی اعمال می شود که یک فروشنده زمین به صورت غیر قانونی از انتقال آن خودداری کند.

قائلین به این نظریه معتقدند که طرف ناقض مسئول خسارات ناشی از تحركات بازار پس از نقض نیست، بلکه صرفاً مسئول خسارت ناشی از محروم ماندن طرف زیان دیده از انعقاد یک قرارداد جایگزین است.

1. Time of breach

دهد، ابتدا کالاها تهیه کند و سپس آنها را تحویل دهد. اگر این کالاها مطابق با قرارداد نباشند، فروشنده در زمان تخصیص کالاها مرتکب نقض خواهد شد، اما خسارت‌ها با توجه به زمان بعد از تحویل ارزیابی می‌شود. در صورت ارسال کالا در بسته های مهر و موم شده به خریدار، می‌توان خسارت را حتی با مراجعه به زمانی بعد از آن ارزیابی کرد که منطقی است انتظار داشته باشیم که بسته‌ها باز و محتویات آنها بررسی شود. به طور مشابه، در صورتی که یک سازنده کار ناقصی انجام دهد و میزان خسارات وارده بر مبنای هزینه اصلاح آن باشد، به طور معمول با مراجعه به زمانی ارزیابی می‌شود که مشتری می‌توانست با یک اقدام معقول نقض را کشف کند. تأخیر در کشف نقض ممکن است نه تنها بر زمان بلکه بر مبنای ارزیابی نیز تأثیر بگذارد؛ زیرا اگر در زمان کشف هزینه اصلاح نسبت به ارزش یک ساختمان سالم و بدون عیب به طور نامتناسب زیاد باشد، یا اگر اصلاح و رفع عیب غیرممکن شده باشد، دادگاه با توجه به تفاوت در ارزش مبلغی خسارت اعطا خواهد کرد. (Treitel, 2015: 960-961)

۳-۲. امکان عمل بر اساس اطلاع از نقض^۲

حتی اگر شخص زیان دیده، از نقض اطلاع داشته باشد، ممکن است برای او اقدام به انعقاد یک قرارداد جایگزین به منظور کاهش زیان بر اساس اطلاع از نقض غیرممکن باشد. به عنوان مثال، ممکن است یک خریدار از پرداخت ثمن کالا پس از ارسال آنها برای او امتناع ورزد و این برای فروشنده غیر ممکن خواهد بود که آنها را زمانی که به مقصد رسیده باشند، مجدد بفروشد. در چنین حالتی میزان خسارت با مراجعه به زمانی که فروشنده می‌تواند به طور معقول مجدداً کالا را به فروش بگذارد ارزیابی می‌شود و نه به زمان امتناع خریدار از پرداخت.

عدم امکان عمل بر اساس اطلاع از نقض نیز ممکن است به این دلیل باشد که خریدار، برای خرید جایگزین در بازار رو به رشد، فاقد توانایی باشد. در دعوی *Wroth v Tyler*، خوانده قرارداد بسته بود تا خانه خود را به مبلغ ۶۰۰۰ پوند بفروشد. این فروش در اکتبر ۱۹۷۱، زمانی که ارزش خانه به ۷۵۰۰ پوند افزایش یافته بود، به پایان رسید. اما در ژوئیه ۱۹۷۱ خوانده به صورت غیر قانونی این قرارداد را نقض کرده بود. خریداران برای اجرای عین قرارداد و دریافت خسارت اقدام

چهار ساله بعدی ضرر خود را کاهش دهد. اقلیت ترجیح دادند که به قاعده تاریخ نقض به عنوان ارتقاء اطمینان تجاری، وفادار بمانند. (Jack Beatson, Andrew Burrows,) (John Cartwright, 2010: 535-536)

یا اینکه مجلس اعیان در دعوی جانسون علیه آگنو در سال ۱۹۸۰ پذیرفت که ارزیابی در تاریخ نقض، حتی در یک قرارداد فروش، «یک قاعده مطلق» نیست و دادگاه اختیار دارد تاریخ دیگری که ممکن است با توجه به شرایط مناسب باشد، تعیین کند.

بنابراین بهترین تفسیر این است که قاعده تاریخ نقض به عنوان اساس اندازه‌گیری، ضرر منعکس شده در تفاوت ارزش یا هزینه تکمیل و اصلاح، اعمال می‌شود و قرار نیست در مورد ضررهای بعدی (یا سود) اعمال شود. حتی در این صورت نیز، این اصل انعطاف‌ناپذیر نیست و نباید با هدف جبران خسارت مغایر باشد. در واقع، ممکن است صرفاً این ایده را منعکس کند که معمولاً «وظیفه کاهش (تقلیل) خسارت» همان‌گونه که در ماده (c) (۱) (۲۱) آمده است) به این معناست که به محض نقض یا خیلی زود پس از آن، مدعی برای جلوگیری از ضرر بیشتر باید اقدامات منطقی انجام دهد. بنابراین، به عنوان مثال، ارجاع به ارزش بازار کالا در تاریخ نقض در قانون فروش کالا مصوب ۱۹۷۹، نشان‌دهنده این واقعیت است که در آن تاریخ، فروشنده یا خریدار می‌توانستند به طور منطقی با فروش کالا به دیگری (جایی که خریدار نقض می‌کند) یا با خرید کالاهای جایگزین از فروشنده دیگری (جایی که فروشنده نقض می‌کند) از ضرر بیشتر جلوگیری کند. (Andrew Burrows, 2016: 122-123).

۲-۲. زمان کشف نقض^۱

ممکن است طرف زیان دیده از تخلف در هنگام وقوع آن خبر نداشته باشد و احتمالاً نتوانسته باشد با تلاش و عمل منطقی اقدام به کشف تخلف در آن زمان کند. پس از آن، در سریع‌ترین زمان خسارت‌ها با استفاده از ارجاع به زمانی ارزیابی می‌شود که طرف زیان دیده، با چنین عملی می‌توانست این کشف را انجام دهد. (Ewan McKendrick, 2016: 356) به عنوان مثال، یک فروشنده ممکن است، با بیان ویژگی‌های کالاهایی که قصد دارد طبق قرارداد فروش تحویل

اجرای قرارداد می‌کند «اجرای عین قرارداد»^۲. بنابراین توضیح بیشتر درباره رأی *Wroth v Tyler* این است که از خریداران انتظار نمی‌رود تا زمانی که دعوای آنها برای اجرای عین قرارداد در جریان است، قرارداد جایگزینی منعقد کنند. همین مسئله در مواردی که واقعاً حکم به اجرای عین قرارداد شده، اما رعایت نشده است، نیز صادق است؛ به طوری که سرانجام زیان‌دیده متقاعد می‌شود که تلاش خود را برای اجرای قرارداد کنار گذاشته و خواهان جبران خسارت باشد. اینها بر مبنای «تاریخ زمانی که قرارداد از دست رفته است» ارزیابی می‌شوند. (Treitel, 2015: 961-962)

۵-۲. اقدام با تأخیر^۳

اگر طرف مقصر عمل را دیر انجام دهد و طرف مقابل به دلیل تأخیر متحمل ضرر شود، خسارت ناشی از آن ضرر با مراجعه به تاریخی که واقعاً عمل ارائه شده (و نه با استناد به تاریخ که باید انجام می‌شده است) ارزیابی می‌شود. (Treitel, 2015: 962)

۶-۲. خسارت‌های مربوط به نقض پیش‌بینی شده^۴

قربانی نقض پیش‌بینی شده می‌تواند فشار را برای اجرای قرارداد ادامه دهد یا این نقض را بپذیرد.

۱-۶-۲. عدم پذیرش نقض^۵

اگر طرف زیان‌دیده نقض را قبول نکند، اصولی که (در بالا بحث شده است) در مورد زمان ارزیابی، اعمال می‌شود. با فرض اینکه حوادث بعدی، شخص زیان‌دیده را از حق خسارت محروم نکرده باشد. قاعده کلی این است که این خسارت‌ها با مراجعه به زمان اجرای قرارداد و نه با استناد به زمان امتناع از آن، ارزیابی می‌شود. طرف زیان‌دیده هیچ‌گونه تعهدی برای «پذیرش» نقض آن ندارد. از این‌رو نتیجه می‌گیریم که اگر بازار به گونه‌ای حرکت کند که ضرر و زیان او را بین زمان امتناع و زمان تعیین شده برای اجرای قرارداد افزایش یابد، وی حق دارد خسارت ارزیابی شده را با استناد به زمان دوم ارزیابی کند.

به طرح دعوا نمودند. رأی در ژانویه سال ۱۹۷۳ وقتی این خانه ۱۱۵۰۰ پوند ارزش داشت، صادر شد. در رأی آمده بود که به اجرای عین قرارداد حکم نمی‌شود، بلکه به جای آن خسارات باید اعطا شود و این باید با استناد به ارزش خانه در زمان صدور رأی ارزیابی شود، نه تخلف و نقض قرارداد و حکم به پرداخت ۵۵۰۰ پوند داده شده نه ۱۵۰۰ پوند؛ چرا که خریداران منابع مالی بیشتر از ۶۰۰۰ پوند که برای خرید خانه آورده بودند نداشتند و آنها نمی‌توانستند در بازاری که به سرعت رشد می‌کند بر اساس اطلاع خود از نقض قرارداد اقدام به انعقاد قرارداد جایگزین نمایند (Treitel, 2015: 961).

یا در دعوای *Hooper v Oates* دادگاه تجدیدنظر، وقتی فروشنده زمین نتوانست خریدار جایگزین زمین با شرایط خریدار سابق پیدا کند، تاریخ ارزیابی را به تعویق انداخت. به عبارت دیگر، در صورتی که مدعی نتواند به طور منطقی قادر به انجام اقدامات فوری برای کاهش خسارت خود باشد، تاریخ ارزیابی به تعویق می‌افتد تا زمانی که به صورت منطقی انتظار باشد که مدعی این کار را انجام دهد (Ewan McKendrick, 2016: 356).

۴-۲. معقولیت اقدام بر اساس اطلاع از نقض^۱

حتی در مواردی که ممکن است شخص زیان‌دیده بتواند براساس کشف این تخلف قرارداد جایگزینی منعقد کند، شاید منطقی نباشد انتظار داشته باشیم که وی این کار را انجام دهد؛ زیرا در آن زمان هنوز احتمال منطقی وجود دارد که ناقص‌قصور خود را اصلاح کند. در چنین مواردی، خسارت‌ها با مراجعه به زمانی که وجود این احتمال متوقف شده است، ارزیابی می‌شوند. بنابراین اگر یک فروشنده کالا پس از گذشت تاریخ تحویل، به خریدار اطمینان دهد که کالا را تحویل می‌دهد، اما سپس ناتوانی نهایی خود را در انجام عمل اعلام می‌کند، خسارت با مراجعه به قیمت بازار در تاریخ آن اعلام ناتوانی، ارزیابی می‌شود. مجدداً ممکن است طرف زیان‌دیده پس از توافق، برای اجرای قرارداد، فشار خود را ادامه دهد، اما در نهایت خاتمه قرارداد را به علت نقض انتخاب نماید، در چنین حالتی خسارات با مراجعه به تاریخ خاتمه ارزیابی می‌شود. یک اصل مشابه در مورد شخص زیان‌دیده نیز اعمال می‌شود در آنجا که طرف زیان‌دیده اقدام به طرح دعوا برای

2. specific Performance
3. Late performance
4. Damages for anticipatory breach
5. Breach not accepted

1. Reasonableness of acting on knowledge of breach

ناشی از نقض در آن زمان که توسط طرفین قابل پیش‌بینی باشد. در حالی که طبق ملاک‌های مذکور در حقوق ایران ورود خسارت قابل پیش‌بینی نبوده در واقع وارد قلمرو قرارداد نشده و جبران آن را نمی‌توان به توافق طرفین نسبت داد؛ چرا که ممکن است در زمان صدور حکم یا اجرای آن میزان خسارت به دلایلی از قبیل کاهش ارزش پول بسیار بیشتر از پیش‌بینی ناقض قرارداد باشد. در نهایت پیشنهاد می‌شود که قانونگذار جهت جلوگیری از تشتت آرا موضع خود را به صراحت با وضع مواد قانونی تبیین نماید.

منابع

- آنه راف (۱۳۹۰). *قواعد حقوق قرارداد انگلستان از نگاه رویه قضایی*. ترجمه سید مهدی موسوی. تهران: نشر میزان. چاپ دوم.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸). *حقوق تعهدات*. تهران: نشر میزان. چاپ اول. جلد اول.
- بابایی، ایرج (۱۳۹۴). *حقوق مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد*. تهران: نشر میزان. چاپ اول.
- بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۶). *حقوق مدنی ۳ (کلیات عقود و قراردادهای)*. تهران: نشر میزان. چاپ دوم.
- حیاتی، علی عباس (۱۳۹۲). *حقوق مدنی ۳ (قواعد عمومی قراردادهای)*. تهران: نشر میزان. چاپ اول.
- شهری، غلامرضا؛ حسین آبادی، امیر (بی‌تا). *مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران در مسائل مدنی از سال ۱۳۵۸ به بعد*. تهران: روزنامه رسمی کشور.
- شهیدی، موسی (۱۳۳۰). *مجموعه موازین قضائی محکمه عالی انتظامی قضات*. تهران: چاپخانه علمی. چاپ دوم.
- شهیدی، مهدی (۱۳۸۰). *حقوق مدنی (تعهدات)*. تهران: انتشارات مجد. چاپ اول. جلد سوم.
- _____ (۱۳۸۶). *حقوق مدنی (اثر قراردادهای و تعهدات)*. تهران: انتشارات مجد. چاپ سوم. جلد سوم.
- صفایی، سیدحسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۶). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*. تهران: سمت. چاپ دهم.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۵۱). *دوره مقدماتی حقوق مدنی*. تهران: مؤسسه عالی حسابداری. جلد دوم.
- _____ (۱۳۹۴). *حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادهای)*. تهران: نشر میزان. چاپ بیست و دوم. جلد دوم.
- قربان‌پور، امیر مهدی (۱۳۹۱). *مسئولیت قراردادی (ماهیت و مبانی)*. تهران: مجد.

۲-۶-۲. پذیرش نقض^۱

جایی که طرف زیان‌دیده نقض را قبول کند، می‌تواند قبل از زمان مشخص شده برای اجرای قرارداد، برای مطالبه خسارت اقدام نماید، اما اصل ارزیابی در زمان اجرای قرارداد حتی در این نوع موارد اعمال می‌شود. اگر طرح دعوا قبل از زمان تعیین شده برای اجرای قرارداد باشد، بنابراین خسارت‌ها لزوماً سفته‌بازی خواهند بود؛ زیرا بر اساس پیش‌بینی‌ها یا حدس‌های مربوط به تحرکات آینده بازار است، اما در صورتی که شخص زیان‌دیده این نقض را بپذیرد، اصل ارزیابی در زمان تعیین شده برای اجرای قرارداد، واجد شرایط مهمی است: اگر پس از قبول نقض، نتواند اقدامات معقول و منطقی برای کاهش ضرر خود انجام دهد، میزان خسارت وی کاهش می‌یابد.

بر اساس این قاعده، طرف زیان‌دیده می‌تواند و در صورت وجود بازار، به طور کلی موظف می‌شود تا قرارداد جایگزینی را منعقد کند و خسارات وی با مراجعه به زمانی که این قرارداد باید منعقد شود ارزیابی می‌شود که این معمولاً زمان پذیرش نقض خواهد بود (یا پس از آن زمان معقولی که طبق قواعدی که در بالا گفته شد، مجاز خواهد بود). بار اثبات این مسئله که آیا واقعاً ممکن است قرارداد جایگزینی منعقد کرد، بر دوش شخصی است که قرارداد را نقض کرده است. اگر مسئولیت آن را نپذیرد، خسارت‌ها با مراجعه به زمان تعیین شده برای اجرای قرارداد، ارزیابی می‌شوند. (Treitel, 2015: 962-963)

بحث و نتیجه‌گیری

در حقوق ایران در باره زمان ارزیابی خسارت قراردادی صراحتی وجود ندارد و برخی حقوقدانان با استفاده از وحدت ملاک مسئولیت قهری و با استناد به برخی مواد قانونی از جمله مواد ۲۲۱-۲۲۶-۳۱۱-۳۱۲-۳۲۸-۳۳۱ قانون مدنی و ۵۱۵-۵۲۰-۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی نظریاتی را ارائه کرده‌اند. برخی زمان صدور حکم و برخی زمان اجرای حکم را ملاک ارزیابی خسارت قراردادی می‌دانند. در حقوق انگلستان نیز یک قاعده کلی وجود دارد که زمان ارزیابی را تاریخ نقض قرارداد می‌دانند که بنا به شرایط استثنائاتی بر آن وارد شده است.

به نظر می‌رسد که ملاک حقوق انگلستان عادلانه‌تر و منصفانه‌تر باشد؛ چرا که همان‌طور که اشاره شد یکی از شرایط تحقق خسارت قابلیت پیش‌بینی آن می‌باشد که ورود خسارت

1. Breach accepted

- Beatson, Jack; Burrows, Andrew; Cartwright, John (2010). *Anson's Law of Contract*. Oxford University Press.
- Burrows, Andrew (2016). *A restatement of the English law of contract*. Oxford University Press.
- Cooter, Robert and Aron Eisenberg, Melvin (1985). *Damages for Breach of Contract*. California Law Review.
- McKendrick, Ewan (2016). *Contract Law*. Twelfth Edition. Oxford University Press.
- McKendrick, Ewan (1997). *Contract Law*. Third Edition. Macmillan.
- Treitel, Guenter (2003). *The Law of Contract*. Eleventh Edition. London: Sweet & Maxwell.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). *وقایع حقوقی مسئولیت مدنی*. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ ششم.
- _____ (۱۳۹۱). *الزامات خارج از قرارداد*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ دهم. جلد اول.
- _____ (۱۳۹۱). *الزامات خارج از قرارداد*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. چاپ یازدهم. جلد اول.
- _____ (۱۳۹۷). *قواعد عمومی قراردادها*. تهران: انتشارات گنج دانش. چاپ اول. جلد چهارم.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۵). *قواعد فقه مدنی مالکیت مسئولیت*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- میرزایی، علیرضا (۱۳۸۴). *محشای قانون مدنی*. تهران: انتشارات بهنامی.
- نعمت‌اللهی، اسماعیل (۱۳۹۷). «منافع سه‌گانه در خسارت‌های قراردادی». *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*. دوره ۲۲، شماره ۳، صص ۱۶۳-۱۸۹.

